



آمده‌اند و یا کاوشگر آنها کیست و حتی نمی‌دانیم این اشیاء چگونه به موزه راه یافته است.

در موزه رضاعباسی چهار شیئی وجود دارد که بر روی آنها خط میخی حک شده است، سه شیئی فلزی و یک گلدان مرمری که بر روی دو شیئی خط میخی فارسی باستان نبشته شده که پژوهش و بررسی ما عمدتاً بر روی این دو اثر خواهد بود.

ریشه خط میخی فارسی باستان را باید در خطهای میخی آشوری - بابلی و خط ایلامی جستجو کرد. خط ساده شده آشوری - بابلی ۶۰۰ نشانه و خط میخی ایلامی کمتر از ۱۲۰ نشانه داشته‌اند که بعدها این خط در دست ایرانیان به ۴۱ نشانه، ۳۶ واکه و همخوان، ۴ اندیشه نگار (Ideogram) و یک واژه جداکن، کاهش یافته است.^۱

در زمان هخامنشیان (۵۵۰ تا ۳۳۰ پ.م) برای نوشتن کتیبه‌ها بویژه و سایر آثار از سه زبان فارسی باستان، بابلی (اکدی) و ایلامی استفاده می‌شده که این هر سه زبان با سه نوع خط میخی متفاوت نوشته می‌شده است.

فارسی باستان به زبانی گفته می‌شود که در زمان هخامنشیان به کار می‌رفته این زبان نزدیکی بسیاری با زبان اوستایی دارد و پایه و اساس زبان فارسی کنونی به شمار می‌رود. چون حروف خطی که این زبان را ثبت می‌کرده به شکل میخ است، انگلبرت کمپفر (Engelbert Kampfer) برای نخستین بار آن را خط میخی (Keilschrift) نامید. شاردن (J. Chardin) نخستین کسی بود که از یک کتیبه کامل در سال ۱۶۷۸ م. نسخه برداری کرد^۲ و نیوبر (K. Neibuhr) با بررسی کتیبه‌های سه زبانه تشخیص داد که این کتیبه‌ها به سه خط مختلف نوشته شده‌اند و از آن پس تیخسن (Tichsen)، دولواته (P. Della Valle)، فریدریش مونتر (F. Munter)، توماس هاید (T. Hyde)، راسک (Rask) و بسیاری دیگر رازی را ازین خط کشف کردند. یکی واژه جداکن را از سایر حروف تشخیص داد، دیگری به راز سه زبانه بودن آنها پی برد و آن دگر دانست که این سه زبان به سه خط نگاشته شده و ... چنین بود که خط میخی رمزگشایی شد. شاید بتوان گفت

گروتفند (Grotefend) دبیر آلمانی، نخستین کسی بود که خط

گزارش مقدماتی درباره

چند شیئی کتیبه‌دار در

موزه رضاعباسی*

کتایون صاری

را همه یک نفر می‌داند و معتقد است که وی ۹۶ سال عمر کرده است. به این حال طور که ملاحظه می‌شود در

خواندن خط میخی نبشته شده بر روی چند شیئی کتیبه‌دار در موزه رضاعباسی و مقایسه زبانی این آثار با سایر اشیاء همانند، هدف مقاله حاضر است؛ این مقایسه از آن روست که بتوانیم خاستگاه فرهنگی چند شیئی مورد نظر را بهتر بشناسیم.

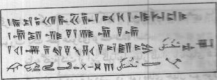
جالب اینجاست که پس از گذشت دو هزار و اندی سال این اشیاء به روشنی با ما سخن می‌گویند، پیام آور هزاران اندیشه‌اند و پاسخگوی بسیاری از پرسشها. به ما می‌گویند در چه دوره‌ای آفریده شده‌اند، چه کاربردی داشته‌اند، چه کسانی از آنها بهره می‌برده‌اند و شیوه هنر زمانه خویش را بیان می‌کنند؛ و آثاری را معرفی می‌کنند که در زمانی که قلمی و کاغذی نبوده به نوک تیشه وجود خود را بر عرصه تاریخ ثبت کرده‌اند و در تاریکی هزارها نمانده‌اند. اما متأسفانه چنین آثاری بدین گویایی هنگامی که در زمانه ما در گوشه و کنار باز یافته می‌شوند دوباره در پرده اسرار رخ می‌پوشند؛ نمی‌دانیم محل کاوش آنها کجاست، از چه لایه‌ای به دست

میخی فارسی باستان را رمزگشایی کرد و هم او بود که از روی شرح هردوت نام شاهان را باز شناخت، اگر چه هنری راولینسون (H. Rawlinson) افسر انگلیسی بدون اطلاع از پژوهشهای سایرین توانست به تنهایی راز این خط سر به مهر را آشکار سازد. در سایه چنین تلاشهای پیگیری بود که اینک اگر اثری بدین خط به دست ما برسد از راه این دانش می توانیم آن اثر را بخوانیم معنای آن را بیابیم و جایگاه دستوری آن را بیابیم.

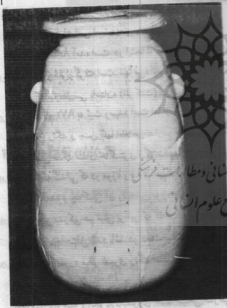
نشته‌های هخامنشیان از فارس تا ارمنستان و از مصر تا سعد پراکنده است.^۱ و عمدتاً باسارگاد، تخت جمشید، شوش و نقش رستم پایگاه اصلی این نشته‌ها به شمار می‌روند. آثار روی کتیبه‌ها اکثراً سه زبان و بیشتر در مورد بنای قصرها و کاخها و سرگذشت جنگها و پیروزیهاست حال آنکه نوشته روی مهرها و ظرفها پیش از یکی دو جمله نیست و گاهی تنها نام یکی از شاهان هخامنشی را با خود همراه دارد.

اگر چه با پیشرفت کاوشهای باستان‌شناسی و خواندن خط های کهن هر روز رازی از نهفته‌ها و ناگفته‌های تاریخ آشکار می‌شود، متأسفانه از همان آغاز همراه با دریافت‌های نوین علمی، آثار یافته شده هر یک به نوعی از ایران خارج شد و به گفته جان کرتیس (John Curtis) موزه دار موزه بریتانیا طبق قانون؟! بسیاری از آثار باستانی ایران راهی موزه‌های خارج از جمله بریتانیا و هاروارد شده و بخشی هم از آنچه به جا مانده بود به علتهای مختلف از جمله قاچاق آثار عشیقه مکرر دست به دست گردید و هويت خود را از دست داد و امروز بی‌نامی و نشانی در گوشه موزه یا مجموعه‌ای قرار گرفته است. چنین ادعایی در مورد اشیای مورد بحث این مقاله نیز صدق می‌کند، زیرا محل کاوش، نحوه کاوش، نام کاوشگر و دیگر آگاهیهای بنیادی دیگر درباره چهار شیئی ییاد شده متأسفانه مشخص نیست و حتی نمی‌دانیم این اشیاء از چه مجموعه‌ای و یا چگونه و به دست چه کسی به موزه رضا عباسی سپرده شده‌اند. تنها آگاهی ما از این آثار شکل ظاهری، اندازه، طرح و نوشته روی آنهاست.

ویژگی اشیاء مورد نظر به شرح زیر است:



- ۱- گلدان (کوزه) سنگی. از سنگ مرمر شیرین رنگ. قطر دهانه ۱۵/۳ سانتی‌متر، ارتفاع ۳۱ سانتی‌متر. روی بدنه این گلدان چهار نوع خط در چهار سطر و به چهار زبان مشاهده می‌شود:
 - ۱- خط میخی فارسی باستان.
 - ۲- خط میخی اکدی.
 - ۳- خط میخی ایلامی.
 - ۴- خط هیروگلیف مصری.
- که به احتمال قوی متن هر چهار خط یکسان است. در روی بدنه گلدان (کوزه) یک شکستگی یا موتورک دیده می‌شود که بخشی از خطها را از بین برده است.
- عکس شماره ۱



در تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲ سطر اول این نشته‌ها که از سه واژه تشکیل یافته است بازنویسی و آوانویسی شد. در این سطر واژه جداکننده در آغاز هر واژه و به طور عمودی قرار

گرفته‌اند. یکی از واژه جداکنها به این شکل ۲ یعنی به صورت یک خط عمودی نوشته شده است.

بنا به گفته کنت از این گلدانها چهار گلدان با نامهای a, b, c, d متعلق به دوره اردشیر در موزه‌های جهان موجود است که روی هر چهار تائی آنها چهار سطر هر یک به چهار زبان با سه خط میخی و یک سطر خط هیروگلیف نوشته شده است. به گفته کنت گلدان a که از سنگ ساق خاکستری (یا Porphyry) است، اکنون در گنجینه کلیسای قدیس مارک در ونیز است. گلدان b در موزه دانشگاه پنیلوپولیا، گلدان c در موزه سلطنتی بریتانیا و گلدان d در سال ۱۹۱۰ توسط نوئل گیرون Noël Giron به دست آمده که وی آن را در شماره ۱۸ مجله آسیایی سال ۱۹۲۱ در ص ۵-۱۴۳ منتشر ساخت. ۶

گلدانهای b, c و d نمی‌توانند همان گلدان موجود در موزه رضا عباسی باشند زیرا که تلفظ واژه اردشیره به صورت Artaxšaça نوشته شده و با گلدان مورد پژوهش ما متفاوت است. اما تلفظ همین واژه در روی گلدان a که محل آن کلیسای قدیس مارک در ونیز ذکر شده معادل نوشته روی گلدان موزه رضا عباسی است، یعنی به جای واژه Artaxšaça واژه Ardaxšaça آمده است. در اینجا d به جای t و یک c اضافه پیش از s قرار گرفته است. تنها می‌دانیم که گلدانهای ذکر شده در کتاب «فارسی باستان» (اثر کنت) در شوش به دست آمده و با نام AVs به ثبت رسیده است اما از شکل، اندازه، قطر دهانه، رنگ و جنس آنها اطلاعی نداریم. به جز گلدان a که از جنس سنگ ساق خاکستری ذکر شده است. و باز هم نمی‌دانیم که گلدانی که در موزه رضا عباسی قرار داده از کجا به دست آمده و چه کسی آن را به این موزه سپرده است. از سوی دیگر مدرکی هم مبنی بر این که گلدان کلیسای قدیس مارک به اینجا منتقل شده باشد در دست نیست. با توجه به اینکه ظرف مورد نظر شیری رنگ است نه خاکستری (عکس شماره ۱).

آوانویسی، ترجمه و تجزیه دستوری خط میخی فارسی باستان، نبشته شده بر روی گلدان سنگی موجود در موزه رضا عباسی:

ardaxšaça = 𐎠𐎡𐎺𐎠𐎧𐎫𐎡𐎹 = sb. m. sg. : arta + xšaça

در اینجا d به جای t آمده و پیش از حرف Sā 𐎧𐎫𐎡𐎹 یک Ça 𐎠𐎡𐎺 اضافه قرار گرفته و پیداست که تلفظ دیگر کلمه artaxšaça است که به مرور زمان بر اثر تغییر لهجه، قدمت یا وام‌گیری زبانی تغییر شکل داده است.

واژه جداکن = 𐎧𐎫𐎡𐎹

= sb. m. sg. nom. = شاه = XŠ : xšayaŋya = 𐎧𐎫𐎡𐎹

واژه جداکن = 𐎧𐎫𐎡𐎹

adj. sg. m. = Vazraka = بزرگ = 𐎧𐎫𐎡𐎹 = 𐎧𐎫𐎡𐎹 - 𐎧𐎫𐎡𐎹 - 𐎧𐎫𐎡𐎹 در اینجا حرف ز 𐎧𐎫𐎡𐎹 به صورت 𐎧𐎫𐎡𐎹 نبشته شده است.

ترجمه سطر: «اردشیر شاه بزرگ»

احتمالاً هر چهار سطر همین معنی را دارند. معادل واژه فارسی باستان artaxšaça در زبان ایلامی irtakšá - áš - ša تلفظ می‌شود و در زبان اکدی ar - tak - šat - su تلفظ می‌شود.

۲ - بشقاب (زیرجامی) تقوه. ظرفی است مدور با قطر ۲۶/۴ سانتی‌متر. نقش گل در وسط در سه چهارم حاشیه آن تنها یک سطر به خط میخی فارسی باستان حک شده است. کنت از چهار بشقاب بزرگ (dishes) و چهار بشقاب کوچک (plate) همانند شیئی مورد نظر ما که محل کاوش آنها را نامشخص ذکر کرده است نام می‌برد. ۷. نبشته روی این ظرف‌ها همانند نبشته‌ای است که در تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲ در موزه رضا عباسی خوانده شد. روشن نیست که محل کنونی نگهداری این بشقابها کجاست و آیا زیرجامی (بشقاب) موجود در موزه رضا عباسی جزو یکی از همان بشقابهاست یا خیر (عکس شماره ۲).

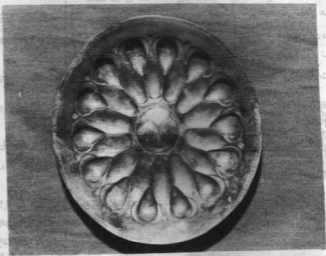
آوانویسی، تجزیه دستوری و ترجمه خطوط میخی روی بشقاب نقره‌ای متعلق به دوره هخامنشی در موزه رضا عباسی:

اردشیر اول. سومین پادشاه هخامنشی پسر خشایارشا

Artaxšaça = 𐎠𐎡𐎺𐎠𐎧𐎫𐎡𐎹 = 𐎧𐎫𐎡𐎹

واژه جداکن = 𐎧𐎫𐎡𐎹

𐎱 𐎠𐎼𐎿𐎭𐎡𐎹𐎺 𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠
 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠
 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠
 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠



عكس شماره ۲

sb. m. sg. Gen.

𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 = puça

sb. sg. m. nom.

𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 = Dárayavavšahyá

sb. sg. m. Gen.

𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 = XŠhyá

sb. sg. m. Gen.

𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 = puça

sb. sg. m. nom.

𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 = Haxamanišiya

adj. nom. sg. m.

𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 = hya

𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 = imam

sb. sg. m. nom.

𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 = XŠ : xšayaθiya

sb. sg. m. nom (Loc. pl.)

𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 = vazraka : vazra + ka

adj. sg. m. nom.

𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 = XŠ

= XŠyānām sb. pl. m. Gen. شاهان

𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠

𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 = XŠ = sb. sg. m. nom.

= DHūnām

سرزمینها

𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠

sb. f. pl. Gen.

= Xšayāršahyá:

مشایارشا

𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠

sb. m. sg. Gen. xšay + aršan

𐎠𐎧𐎡𐎴𐎠𐎺𐎠 = XŠhyá

شاه

از دربارهای آسیای غربی دانست که در آن زمان روابط تنگاتنگی با ایران داشتند و از تمدن و فرهنگ پیشرفته‌ای برخوردار بودند و هنر و صنعت ایشان تأثیر به‌سزایی در آثار این سرزمین داشته است.

تصور می‌شود در دربار شاهان هخامنشی کارگاه‌ها یا صنعتگرانی بوده‌اند که نشان خاص شاهی را بر این ظرفها حک می‌کرده‌اند و احتمال می‌رود فرم و نقش روی ظرفهای سلطنتی با سایر اشیاء مشابه خود، متفاوت بوده باشد.^۸

۳- کلاه خود. کلاه خودی است مفرغی که بر حاشیه لبه آن یک سطر به خط میخی نوشته دارد. اما متأسفانه به علت زنگ خوردگی قابل تشخیص و خواندن نیست.^۹ (عکس شماره ۳)

نوضیح نشانه‌های دستوری کوتاه:

عکس شماره ۳



ش: اسم / اسم خاص sb
مفرد: sg

Dem. pron.m.sg.Acc.

= bātūgara جام یا ظرف

𐎠𐎡𐎧𐎣𐎡𐎧𐎢𐎴𐎡𐎡𐎢𐎴

(در این متن به معنی زیرجامی یا بشقاب است)

sb. sg. m. nom.

bātu + gara از

𐎠𐎡𐎧𐎣𐎡𐎧𐎢𐎴𐎡𐎡𐎢𐎴 = siyamam ساخته شده از نقره

adj. sg.m. Ace.

𐎠𐎡𐎧𐎣𐎡𐎧𐎢𐎴𐎡𐎡𐎢𐎴 = viviyā درون کاخ (داخل کاخ)

sb. sg. f. loc

𐎠𐎡𐎧𐎣𐎡𐎧𐎢𐎴𐎡𐎡𐎢𐎴 = karta ساخته = (کرده)

past ptc. pass. (Ave. kərōta) , sg. m. nom.

ترجمه واژه به واژه متن:

اردشیر شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمینها، پسر خشایارشا. خشایارشا پسر داریوش شاه. هخامنشی. این زیرجامی نقره در کاخ (او) ساخته شد.

ترجمه نوشته به فارسی امروز:

این زیر جامی نقره در کاخ اردشیر بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمینها، پسر خشایارشا، خشایارشا پسر داریوش شاه هخامنشی. ساخته شد.

bātūgara: به معنی جام و زیرجامی است و مفهوم آن

باده‌خواری است یعنی bātū = باده - gara = خواری.

با توجه به اشیاء فوق و نیز آثار موجود در موزه‌های جهان، چنین برمی‌آید که در دوره هخامنشیان بر روی ظرفهای سلطنتی نام شاه بزرگه، گاهی همراه با محل ساخت آن با جمله‌ای کوتاه و یا بلند گاهی به سه یا چهار زبان و خط

متفاوت و یا تنها به زبان فارسی باستان و خط میخی یک یا دو جمله حک می‌شده است. علت چنین کاری راکه در زمان خشایارشا و اردشیر بیشتر متداول بوده شاید بتوان به روابط

گسترده ایران با سایر کشورها نسبت داد که مدعوین بسیاری از همه جا به بارگاه شاهان هخامنشی می‌آمده‌اند و باید این ظرفها نشاندهنده شکوه شاهی بوده باشند، به ویژه آنکه بیشتر آنها از جنس زر و سیم بوده‌اند و یا علت آن را می‌توان تقلیدی

جمع : pl :
 و صیغه مذکر : m :
 مؤنث : f :
 حالت فاعلی : nom :
 اضافه : gen (Gen) :
 ضمیر اشاره : Dem . pron :
 شاه : XS : xšayaiiya :
 کشور، سرزمین : DH : dahyāus :
 عکس شماره ۴

بی نوشته

1 - P.E.Cléator. *lost language*. New American library
 . 1962-65.p.12.

۲ - یوهانس فریدریش - زبان‌های خاموش، ترجمه بداله شمزه و
 بدرالزمان قریب. (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی،
 ۱۳۶۵)، ص ۵۷.

۳ - برای آگاهی از تاریخچه بررسی خط میخی فارسی باستان بنگرید به:
 پرویز رجیبی. «تاریخ خط میخی فارسی باستان». چیستا، سال ۱،
 شماره‌های ۱/۲/۳/۴/۵/۶/۷/۸، ۱۰، ۱۳۶۱-۱۳۶۲.

۴ - رساله‌های درسی استاد دکتر محمد مقدم در دانشگاه تهران دانشکده
 ادبیات و علوم انسانی، دپارتمان زبان شناسی.

5 - John Curtis. *Ancient Persia*. British mus , p.8.

6 - R.G.Kent , *Old Persian* , New Haven , 1953.
 P.115.

7 - Ibid , p.113.

۸ - برای نمونه‌های مشابهی از این طرف بنگرید به:
 محمدرضا احمادی. هفت هزارسال هنر فلزکاری در ایران. (تهران:
 علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸)، ص ۸۵

۹ - پیام زوین یا کتیبه اردشیر در موزه متروپولیتن.

تیز:

A.U.Pope , *A Survey of Persian Art*, vol VII (plates)
 p.120.

جامی مانند جامهای مورد نظر به قطر ۲۸ سانتی متر در کلکتیون
 ت.ن. جیکس.

۹ - برای آگاهی بیشتر از جزئیات مربوط به این کلاه خود بنگرید به:
 رسول وطن‌دوست. «آزمایشگاه و کارگاه سرمه موزة رضاعیاسی»،
 موزها، شماره هشتم، آذرماه، ۱۳۶۷، صص ۲-۶.

